

مبانی طراحی باغ های ذهنی مولوی در کوهستان با تکیه بر حرکت آب و مسیر پیاده

الهه گودرزی^۱، ناصر قنبری^۲، محمدرضا بمانیان^۳

^۱ کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه تربیت مدرس تهران

^۲ کارشناسی ارشد معماری فنی دانشگاه تربیت مدرس تهران

^۳ دکترای معماری و استاد گروه معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران

چکیده

یکی از موضوعات بسیار مهم و اصلی در مطالعه ی پدیده های انسان ساخت زیبایی می باشد باغ ها در جوامع مختلف نشان دهنده ی باور ها ی آن جامعه در باره طبیعت و اجزای آن به عنوان عامل هویتی و نمایش عینی آن ارا و باور ها ایفای نقش می کند. ساخت باغ در کشور ما پیشینه ای طولانی داشته و در همه ی زمانها مورد توجه بوده است. حضور باغ در ادبیات ما و اشعار شاعران قدمتی دیرینه دارند و حتی به جرات می توان گفت ذهنی ترین و خیالی ترین بیان از باغ را می توان در اشعار شاعران یافت. اغلب شعرا نگرش های مختلفی نسبت به باغ داشته اند که ذهنی ترین و خیالی ترین آن را می توان در اشعار مولوی یافت کرد.

هدف از نگارش این مقاله ارایه مبانی طراحی باغ های ذهنی مولانا در کوهستان با تکیه بر حرکت مسیر آب و پیاده است. با بررسی جستجوی رد پای صور خیال باغ در اشعار مولانا و چگونگی وجوه ذهنی باغ و عناصری چون آب در اشعار وی، از منظر این عارف شاعر می باشد. مطالعه انجام شده به روش تحلیلی- توصیفی بر اساس مطالعات کتابخانه ای و به صورت تحلیل محتوای اشعار مولوی می باشد. نتایج تحقیق نشان می دهد که باغ های مولانا مفهومی و چند معنایی است که جوهره ی اصلی آن عشق الهی است. از جمله باغ هایی که وی در اشعار خود به آن ها اشاره کرده، باغ هستی، باغ بهشت، باغ جهان، باغ جان، باغ هستی، باغ دل و باغ عشق می باشد. با تکیه بر حرکت آب به سه صورت ساکن، جاری، جوشان و خصوصیات باغ های مولوی به ارایه ویژگی های طراحی صور خیال باغ های وی پرداخته شده است. یکی از دلایل طراحی در کوهستان توانایی این اقلیم در تجسم ایده ی رسیدن به هدف غایی یا همان عشق الهی در باغ خاکی می باشد.

کلید واژه: باغ مولانا، وجوه ذهنی، کوهستان، آب، خصوصیات باغ های مولوی

۱- مقدمه

در شعر فارسی شاعران همواره به باغ و طبیعت اشاره نموده اند. ذهن شاعر ذهنی است که می تواند همواره با محیط پیرامون خود ارتباط برقرار کند و آن را به بهترین شکل در شعر خود منعکس کند. این تصرف ذهنی شاعر که با جهان خارج و طبیعت اطراف و کشف روابط میان مفاهیم ذهنی خود و آنها نوعی تخیل، ابداع و ایجاد تصویرهای خیال است. (صور خیال، ۱۳۹۰، ص ۲۴). یکی از شاعرانی که دید عمیقی به باغ داشته است مولوی است. ابتدا به بررسی کیفیت وجوه ذهنی باغ، ویژگی ها و حرکت اب در اشعار وی می پردازیم. با تحلیل آنها مبانی طراحی باغهای ذهنی مولوی در کوهستان ارایه می شود. به منظور بررسی وجوه ذهنی باغ در اشعار مولانا لازم است، با رویکردی توصیفی و تحلیلی نسبت به مطالعه ویژگی های شعری مولانا، باغها و عناصر آن در صور خیال مولوی پرداخته شود. روش تحقیق در مطالعه حاضر تحلیلی-توصیفی است. گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه ای و به صورت تحلیل محتوای اشعار مولوی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نمونه مطالعاتی که به تحقیق وجوه ذهنی باغ در مثنوی معنوی پرداخته باشند بسیار معدودند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تاجدینی، علی. ۱۳۸۳: فرهنگ نمادها و نشانه ها در اندیشه مولانا. تهران: سروش. در این کتاب واژه باغ در افکار مولانا از نظر کیفی و معنایی بررسی شده است.

- شاهچراغی، آزاده. (۱۳۹۱). پارادایم های پردیس. چاپ سوم. تهران: جهاد دانشگاهی. این کتاب به بررسی باغ ایرانی از جوانب مختلف پرداخته است که در میان آن اشاره ای به باغ های مولانا دارد. البته نگارنده گان این مقاله برآنند تا در راستای جبران این کمبودها و کاستی ها گامی موثر بردارند.

۱-۱- پرسش های پژوهش

- وجوه ذهنی باغ در اشعار مولوی چگونه است؟
- باغ های مولوی چه ویژگی هایی دارند؟
- چرا کوهستان برای طراحی این باغ مناسب است؟
- اصول طراحی طراحی باغ های ذهنی مولوی در کوهستان با تکیه بر حرکت آب و مسیر پیاده کدامند؟

۲- مولانا

زندگی و اندیشه جلال الدین محمد بلخی معروف به مولانا عارف شاعر قرن هفتم هجری قمری سرشار از عجایب بی بدیل است که مفاهیم و معانی والای عرفانی و قرآنی را با زبان هنرمندانه به صورت شعر بیان کرده است. اوج غزل های عاشقانه و عارفانه را می توان در اشعار او جست. "مولانا هیچ گاه اشعار خود را به بازنمایی سطحی و بی مایه ی طبیعت محدود نمی کند. طبیعت برای او منبع الهام و سرمشقی الهی است. او با طبیعت همراه می شود، از صورت ظاهری آن می گذرد و تجربه خاضعانه خود را از آن به عینیت می بخشد". (کیانی و بلخاری قهی، ۱۳۹۱، ص ۴۱)

۲-۱- ویژگی اشعار مولوی

روش هایی که این شاعر بزرگ در انتقال مفهوم به کار برده است، غالباً به شرح زیر می باشد: نماد پردازی (سمبولیسم)، تمثیلات و تشبیهات بدیع عرفانی، معنا گرایی، رمز پردازی، حقیقت نمایی، کنایه و استعاره. (محبتی، ۱۳۸۸، صص ۷۴۷-۸۰۶)

۲-۲- باطن نگری و تصویر اعماق

"ذهن مولوی از سطح عناصر حسی و اشیا فراتر می رود و ماهیت و جوهره ی هر چیزی را در نظر دارد. از این رو، شی را رازناک می بیند. برای مثال به باغ قانع نیست و اصل باغ را در خطاب می آورد. او برای بیان این ذهنیت از ساختار زبانی ویژه ای بهره می گیرد، یعنی از تکرار یک واژه، یک مضاف و مضاف الیه معنایی می سازد: اب اب، اصل اصل، باغ باغ. تصویرپروری بخش دوم (مضاف الیه) ذهن را از سطح به عمق و از ماده به جوهر سوق می دهد." (فتوحی، ۱۳۸۵، ص ۳۲۵)

من آب آب و باغ باغم ای جان / هزاران ارغوان را ارغوانم (کلیات شمس، بیت ۱۵۹۸۴)

۲-۳- باغ از منظر مولانا

باغ مولانا باغی است مفهومی که معنای عرفانی به خود می گیرد و جوهر اصلی آن معنویت است. او دنیای آرمانی خود را در باغی می بیند که به معشوق خود یعنی حقیقت خداوند اتصال دارد.

"بر طبق سنتی مزدایی باغ بهترین مکان برای اتصال جویی به عالم بالاست چرا که واقع است در میان طبیعت زمینی و دنیای آرمانی آن روشنی ازلی یا بگوئیم اتصال جوی با ملکوت و از سوی آیین مکاشفت در درون خویش". (کورکیان، ۱۳۷۷، ۱۹۸۳، ص ۵۳)

باغ مولوی باغی است مفهومی که دیدگاه مولوی به زندگی الهام بخش آن بوده است. در زبان مولوی باغ نماد لطف الهی، سرسبزی و صفا، جمال حسن و زیبایی و روح افزایی و شادی بی رنجی است و همه این صفات درباره باغهای این جهان به طریقه مجاز و درباره عالم غیب به نحوی حقیقت دلالت دارد. (تاجدینی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۳)

باغ در نظر جلال الدین سرشار از زندگی است. او رویای باغی را می بیند که فلک برگ اوست و با این حال، باغ خاکی دست کم بازتاب کوچکی از این باغ ملکوتی است (شیمل، ۱۳۵۷، ص ۱۲۲)

خاصه باغی کین فلک یک برگ اوست / بلکه آن مغز است و این عالم چو پوست (مثنوی، غزل ۶۷۸)

باغ او باغی است که از طراوت و سر زندگی چهره یار خبر دارد، چنان که تمام ذرات عالم از وجود او نشان دارد. همه چیز برای مولانا وسیله و بهانه ای برای جلوه حق است. (باقری، ۱۳۹۰، ص ۷۱)

بنمای رخ که باغ و گلستانم ارزوست / بگشای لب که قند فراوانم ارزوست

ای افتاب حسن بردن ادمی زاید / کان چهره مشعشع تابانم ارزوست (مثنوی، غزل ۱۲۸۷)

باغهای آن جهان ویژگی در باغهای این جهان را در مرتبه ای شدیدتر و لطیف تر دارد با این تفاوت که خرمی و سرسبزی باغهای بهشت، ابدی و جاودانه است و بودن در آن با ملامت و خستگی همراه نیست. (تاجدینی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۴)

تو بهاری، ما پو باغ سبز خوش / او نهران و اشکار را بخششش (مثنوی، غزل ۳۳۱۱)

۳- باغ نماد لطف الهی

نفس و شیطان در غرور و باغ لطف می چرخند / ز اعتماد عفو تو دارند به فردایی ای (کلیات شمس، غزل ۲۸۰۸)

به مفهوم باغ صفا در اشعار مولانا به صورت مکرر اشاره شده است:

شمس تبریز چو در باغ صفا رو بنمود / زود در گردن عشقش همه اونگ شویم (همان غزل ۲۶۳۳)

با روی تو کفر است به معنی نگریدن / با باغ صفا را به یکی تره خریدن (همان، غزل ۱۸۹۰)

در باغ صفا زیر درختی به نگاری / افتاد مرا چشم و بگفتم چه نگاری (همان غزل ۲۶۳۳)

باغ در معنای سر سبزی و خرمی:

و آن جوان همچو باغ سبز و تر / می رساند یعنی بار و بر (مثنوی، غزل ۱۲۷۱)

در جایی دیگر مولانا باغ را تصویری در آب می داند که بازتاب دهنده واقعیتهای در عالم برتر است:

باغها و سبزه ها در عین جان / بر برون عکسش چو در اب روان
 ان خیال باغ باشد اندر اب / باغها و میوه ها اندر دلست
 عکس لطف ان برین اب و گلست (همان، غزل ۵۱)

در اشعار مولانا از مفهوم باغ حسن در باره ی استعاره ی جمال و حسن زیبایی باغ استفاده شده است:

چو گل در باغ حسنش خوش بنهدم / چو صبح از افتابش خوش بر ایم (کلیات شمس، غزل ۲۶۳۳)
 در میان باغ حسنش می پر ای مرغ ضمیر / کاین آباد است انجا دام یا مضرب کو (همان، غزل ۲۲۰۴)
 باغ در اندیشه مولانا تمثیل بهشت الهی است که در ان سرسبزی جاودانه است و از آن به عنوان باغ بقا یاد می شود.
 (شاهچراغی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۳)

بهر گل رخسارش کز باغ بقا روید / چون فاخته می گوید هر بلبل جان کوکو (کلیات شمس، غزل ۳۳۸۸)
 در جدول زیر به بررسی کیفیت حضور باغ در اشعار مولوی به نقل از شاهچراغی پرداخته شده است:

جدول ۱: بررسی کیفیت حضور باغ در اشعار مولوی / استخراج تدوین: شاهچراغی

نمونه ای از ابیات	ترکیبات واژگان به کار رفته در اشعار	حضور کیفی - معنایی باغ در اشعار مولوی	
- بگذر از باغ جهان یک سحرای رشک بهار ناز گلزار و چمن رسم خزان برخیزد (دیوان شمس) - باغ جهان سوخته، باغ دل افروخته سوخته اسرار باغ، ساخته اسرار من (غزل ۲۰۶۴)	باغ جهان	باغ در معنای دنیا (تمثیلی از جهان / کیهان)	۱
- اگر دل از غم دنیا جدا توانی کرد نشاط و عیش به باغ بقا توانی کرد (غزل ۹۵۹) - بهر گل رخسارش کز باغ بقا روید چون فاخته می گوید هر بلبل جان کوکو (غزل ۳۳۸۲)	باغ بقا	باغ در معنای بهشت	۲
- باغ دلم که صد ارم در نظرش بود عدم نرگس تازه خیره شد کز شجری چه می شود (غزل ۵۶۱) - باغ سرسبز و تر باشد و لیک از فراقش خشک و بی پر می کنم (غزل ۱۶۶۷) - اندر آ در باغ بی پایان دل میوه شیرین بسیارش نگر (غزل ۱۱۰۱) - باغبان هم داند آن را در خزان لیک دید یک به از دید جهان خود جهان آن یک کس است، آوابله است هر ستاره بر فلک جزو مه است (مثنوی، دفتر اول بیت ۲۹۳۸-۲۹۳۹)	باغ دل، باغ هستی، باغبان.	باغ در معنای تعبیر عارفانه	۳
- باغ جان را تازه و سرسبزدار قصد این مستان و این بستان مکن (غزل ۲۰۲) - گلزار جانفرایت بر باغ جان بخندد	باغ جان	باغ به معنی جان، روح و روان انسان	۴

گل ها به عقل باشد یا خار خار ماند (غزل ۸۴۸) - ای آن که اندر باغ جان آلاچیقی بر ساختی آتش زدی بر جسم و جان و روح مصور ساختی (غزل ۲۴۳۳)			
- در باغ عشق رویش خصمت خدای بادا گر تو ز گل بگویی یا قامت چناری (غزل ۲۹۶۹) - ز باغ عشق طلب کن عقیده شیرین که طبع سر که فرونشست و غوره افشاری (غزل ۳۰۵۵) - میان ما در آ ما عاشقانیم که تا در باغ عشقت در گشانیم (غزل ۱۵۳۶) - بر فرق خاک آب روان کرد عشق او در باغ عشق سرو روان است آن یکی (غزل ۲۹۹۵) - منم در عشق بی برگی که اندر باغ عشق او چو گل پاره کنم جامه ز سودای گلستانش (دیوان شمس)	باغ عشق	باغ عشق الهی	۵

۳-۱- آب در باغ های مولانا

"آب به دو حالت کلی ساکن و روان ظهور می یابد. نمونه های آب ساکن در باغ ایرانی مانند دریاچه ها، استخرها از منظر مولوی یاد آور قدرت خداوند، وحدت و عالم معنا، معنویت و حقیقت، عالم غیب و اسرار، مرجع رستگاری، فزونی و کرم است؛ و حوض ها در صورت اتصال به مرجع آب، پاک کننده روح و جسم است.

آب جاری در نهر یا جوی برای بیننده یادآور عمر و وقت، زیبایی، لطافت، سرسبزی، قدرت و عشق الهی است. آب در حرکت آشکار کننده راز است و در تعبیری دیگر جوی چون جسم و آب روان چون روح انسان است. جوشش آب پاک از چشمه در پی کم بودن آن صورت می گیرد و چشمه چون الهامات ربانی از درون می جوشد نه مانند آب جوی که مانند عقل اکتسابی اعتبار خود را وامدار دیگری است. فواره و آبشار دو گونه حرکت آب در جهت عمودی است که یکی از پستی به بلندی می رود و دیگری از بلندی به پستی. مولوی راه تعالی را تواضع و فروتنی می داند مانند آبی که در فواره از پستی به بلندی بر می آید و آب آبشار را که از بلندی به پستی می آید نماد رحمت و فیض الهی می داند." (کاملی، ۱۳۹۱)

هرکجا آب روان سبزه بود هر کجا اشکی روان رحمت شود (مولوی، دفتر اول بخش ۳۹)

آن لطافت پس بدان کز آب نیست جز عطای مبدع وهاب نیست (مولوی، دفتر دوم، بیت ۱۶۱۷)

آب کاهی را به هامون می برد آب کوهی را عجب چون می برد (مولوی، دفتر اول بخش ۶۵)

آب کم جو تشنگی آور به دست تا بجوشد آب از بالا و پست (مولوی، دفتر ۳، بخش ۱۵۱)

آب در جو زان نمی گیرد قرار زانک آن جو نیست تشنه و آب خوار (مولوی، دفتر ۲، بخش ۱۳)

آب و ابر و آتش و این آفتاب رازها را می برآرد از تراب (دفتر ۵، بخش ۱۷۰)

آب از بالا به پستی در رود آنکه از پستی به بالا بر رود

گندم از بالا به زیر خاک شد بعد از آن او خوشه و چالاک شد (مولوی، دفتر ۳، بخش ۱۳)

آب کم جو تشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالا و پست (مولوی، دفتر ۳، بیت ۳۲۱۲)

عقل دیگر بخشش یزدان بود چشمه آن میان جان بود

چون ز سینه آب دانش جوش کرد نه شود گنده نه دیرینه نه زرد

ور ره نبعش بود بسته چه غم کو همی جوشد ز خانه دم به دم

عقل تحصیلی مثال جویها کآن رود در خانه ای از کویها

راه آبش بسته شد، شد بینوا از درون خویشتن جو چشمه را (مولوی، دفتر ۴، بیت ۱۹۶۸)

موضوع حاضر مبانی پیشنهادی طراحی باغهای ذهنی مولوی در کوهستان است که پیش تر در باره ی صور خیال باغ در اشعار مولوی بحث شد. مولوی شاعری است که جوهره ی هر چیز را در نظر دارد و به وجود ظاهری باغ قانع نیست. از ویژگی های باغ های او نماد پردازی تمثیلات و تشبیهات بدیع عرفانی، معنا گرایی، رمز پردازی، حقیقت جویی که در نهایت رسیدن به غایت همان عشق الهی است.

۴- دلایل انتخاب کوهستان برای طراحی:

طراحی در کوهستان می توان ایده رسیدن به هدف یا همان عشق الهی در باغ خاکی را تا حدی مجسم نماید. از دلایل انتخاب کوهستان برای طراحی موضوع حاضر می توان به موارد زیر اشاره نمود:



نمودار ۱: دلایل انتخاب کوهستان برای طراحی باغ های ذهنی مولوی / منبع: نگارنده

۵- مبانی طراحی باغ های ذهنی مولوی

همان طور که پیش تر اشاره شد، باغ دل، باغ جان، باغ جهان، باغ صفا، باغ عشق الهی و ... از وجوه باغ در اشعار مولوی می باشند. پس در طراحی با تنوع فضایی روبرو هستیم چرا که هر کدام از باغ های مذکور ویژگی خاص خود را دارد. با تکیه بر تحلیل اشعار این عارف شاعر و خصوصیات آن ویژگی های طراحی پیشنهادی زیر را دنبال می کنیم:

۵-۱- حرکت آب

مسیر حرکت آب از باغ عشق الهی شروع می شود و با عبور از باغ بهشت، باغ جهان، باغ دل، باغ هستی و باغ جان به رود پایین کوهستان ختم می گردد. باید توجه داشت که مسیر آب در هیچ کجا قطع نگردد و صدای آب همه جا به گوش برسد. به کار بردن آب به صورت ساکن، جاری و جوشان در باغ های مختلف که در باره ی آن بحث شد ایجاد تنوع بصری و شنوایی می کند. هم چنین تلاقی آب با مسیرهای حرکت وحدتی هماهنگ را به وجود می آورد.



تصویر ۱: مسیر آب کنار مسیر پیاده- تصویر ۲: ایجاد حس شنوایی با استفاده از حرکت آب روی دیوار، منبع: نگارنده

۵-۲- باغ هستی

در تعبیر عرفانی به کار رفته است. در طراحی می توان محل تجمع را باغ هستی در نظر گرفت چرا که مردم در آن جمع می شوند و به جمال و حسن زیبایی می اندیشند. به عنوان پیشنهاد جایگاه این باغ را به عنوان اولین مکان در بدو ورودی و با استفاده از سه ویژگی حرکت آب در اشعار مولوی، تعریف می کنیم. دلیل انتخاب همه ی ویژگی های حرکت آب این است که باغ هستی در اولین نگاه تمام وجوه بصری اب را دارا باشد چرا که امکان نرفتن همه ی افراد بازدید کننده به کل باغ وجود دارد.

آب: جاری و جوشان. مولوی راه تعالی را تواضع و فروتنی می داند مانند آبی که در فواره از پستی به بلندی بر می آید و آب آبشار را که از بلندی به پستی می آید نماد رحمت و فیض الهی می داند.

آب ساکن: پاک کننده روح، رسوخ به دل

مسیر: صاف برای رسیدن به معرفت، تلاقی با مسیر اب



تصویر ۳: آب جاری در مسیر حرکتی، منبع: نگارنده تصویر ۴: آب جوشان، منبع: نگارنده

۵-۳- باغ جان

ای آن که اندر باغ جان آلاچیقی بر ساختی / آتش زدی بر جسم و جان و روح مصور ساختی (غزل ۲۴۳۳)

باغ جان را تازه و سرسبزدار / قصد این مستان و این بستان مکن (غزل ۲۰۲)

در طراحی: الاچیق و فضاهای سبز خاص که در شعر بالا آمده استفاده نمود. کنار رود دره های کوهستان جای مناسبی برای ان است چرا که الاچیق کنار رود تازگی روح را به ارمغان می آورد.
آب جاری: تازگی روح انسان، لطافت و سرسبز
مسیر: صاف و پر پیچ و خم، مسیرهای صاف برای آرامش روان انسان و مسیر های پر پیچ و خم نماد دنیا. تلاقی با مسیر آب.



تصویر ۵: آلاچیق کنار رود تصویر ۶: تلاقی مسیر اب با مسیر حرکتی، منبع: نگارنده

۵-۴- باغ دل

باغ دلم که صد ارم در نظرش بود عدم / نرگس تازه خیره شد کز شجری چه می شود (غزل ۵۶۱)
باغ دل در تعبیر عارفانه به کار رفته است. مولوی به اب در حالات مختلف توجه زیادی نموده است. می توان گرداگرد یک زمین اب را به صورت ساکن طراحی کرد.
آب ساکن: در این حالت آب ساکن حریم مقدسی را ایجاد می کند که رسوخ به مرکز همان دل است را نشان می هد. اب ساکن یاد آور قدرت خداوند، وحدت و عالم معنا، معنویت و حقیقت، عالم غیب و اسرار، مرجع رستگاری، فزونی و کرم است.
مسیر حرکتی: در مسیرهای حرکتی باغ دل و باغ جهان برای رسیدن به باغ بهشت بر هم تلاقی می کنند.



تصویر ۷: آب ساکن گرداگرد بنای مذهبی، حریم مقدس / منبع: نگارنده

۵-۵- باغ جهان

تمثیل دنیا و جهان فانی را دارد، برای رسیدن به لطف الهی باید دست از لذات دنیا شست و با ریاضت جان به مقصود رسید.

به همین منظور در طراحی آن را از باغ جان گذشت و به باغ جهان رسید. می توان قسمتی از باغ را دیواری با پله های سنگی تعبیه کرد تا برای رسیدن به باغ بهشت از جهان خاکی عروج کرد. هم چنین بناهایی که کاربری های متفاوتی دارد و نشان دهنده ی دنیا است می توان به کار برد.

آب جاری: در نهر یا جوی برای بیننده یادآور عمر و وقت، زیبایی، لطافت، سرسبزی، قدرت و عشق الهی
مسیر حرکتی: پر پیچ و خم استعاره از دنیا، ریاضت انسان برای رسیدن به باغ بهشت، تلاقی با مسیر باغ دل



تصویر ۸: آب جاری یاد آور عمر و وقت - تصویر ۹: دیوار با پله های سنگی برای عروج به باغ بهشت از جهان خاکی
منبع: نگارنده

۵-۶- باغ بهشت

اگر دل از غم دنیا جدا توانی کرد/ نشاط و عیش به باغ بقا توانی کرد (غزل ۹۵۹)

برای رسیدن به باغ بهشت باید دل را از دنیای زمینی جدا کرد.

در طراحی بعد از عبور از باغ جهان و باغ دل می توان به باغ بهشت، همان پاداش مومنان رسید. از ویژگی های باغ بهشت با توجه به اشارات قران می توان به موارد مذکور اشاره کرد: کوشک، سایه اندازی درختان، حصار، نهرهای جاری. باغ ایرانی یکی از زیباترین تمثیلات بهشت در زمین خاکی می باشد که در طراحی باغ بهشت می توان از ایده باغ ایرانی الهام گرفت. با توجه به اینکه در مسیر رسیدن به باغ بهشت، تلاقی باغ جهان و باغ دل را داریم می توان سردر شاخصی را به عنوان جدایی بهشت از دنیای زمینی برای باغ مذکور در نظر گرفت.

آب: جاری شدن در چهار جهت

مسیر حرکتی: صاف و بدون پیچ و خم استعاره از زندگی آرام در بهشت، تلاقی با مسیر آب



تصویر ۱۰: سردر باغ بهشت، جدایی از دنیای زمینی، منبع: نگارنده

۵-۷- باغ عشق الهی

بر فرق خاک آب روان کرد عشق او

در باغ عشق سرو روان است آن یکی (غزل ۲۹۹۵)

غایت مولوی رسیدن به ذات حق و حقیقت الهی است که در بالاترین مرحله از سلوک قرار دارد و می توان در طراحی آن را در باغ عشق الهی جای داد. دعای مومنان در بهشت قرب و رضای خداست. با عبور از باغ بهشت به حقیقت خدا که همان باغ عشق الهی است می رسیم.

این باغ به عنوان شاخص ترین نقطه طراحی است چرا که مولوی دنیای آرمانی خود را در باغی می بیند که به معشوق خود یعنی حقیقت خداوند اتصال دارد. به نظر می رسد بالاترین نقطه کوهستان با توجه به تمهیدات لازم بهترین گزینه برای باغ یاد شده باشد. منبع هر چیز از خداوند سرچشمه می گیرد؛ بنابراین منبع اصلی آب طرح را در باغ عشق الهی در نظر می گیریم.

آب: منبع هر چیز از خداوند سرچشمه می گیرد؛ بنابراین منبع اصلی آب را در باغ عشق الهی در نظر می گیریم. جاری و ساکن و جوشان: آب جاری از صخره یا ابشار و ریختن آن به برکه. آب از بلندی به پستی می ریزد و از پستی توسط فواره به بالا می رود. آب جاری نماد گذر عمر است، به عنوان پیشنهاد می توان جایی در دل ابشار طراحی کرد تا انسان از درون ابشار آبی که از بلندی به پستی می ریزد را نظاره گر باشد.

آب از بالا به پستی در رود آنگه از پستی به بالا بر رود

گندم از بالا به زیر خاک شد بعد از آن او خوشه و چالاک شد (مولوی، دفتر ۳، بخش ۱۳)

مسیرهای حرکتی: پرپیچ و خم: رسیدن به قرب الهی با ریاضت همراه است.

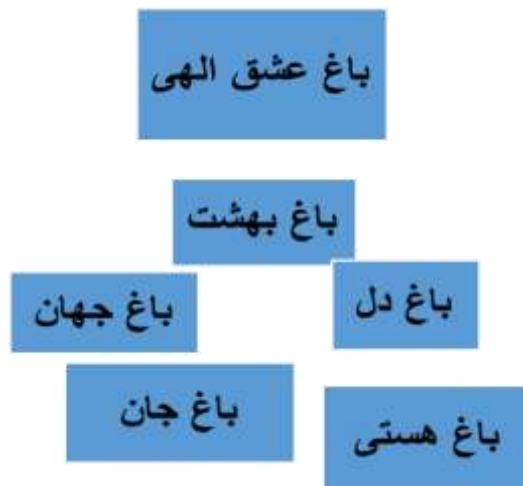
صاف: رسیدن عشق الهی نهایت و غایت انسان است و انجامست که با آرامش همراه است پس خطوط صاف مناسب می باشد. تلاقی با مسیر آب.



تصویر ۱۱: انسان از درون ابشار آبی که از بلندی به پستی میریزد را نظاره گر است، تصویر ۱۲: ورودی ابشار، منبع:

نگارنده

سلسله مراتب باغ های ذهنی مولوی در شیب کوهستان:



منبع: نگارنده نمودار ۲: سلسله مراتب باغ های ذهنی مولوی در شیب کوهستان / منبع: نگارنده



تصویر ۱۳: سلسله مراتب باغ های ذهنی مولوی در شیب کوهستان / منبع: نگارنده

در جدول زیر نگاه کلی به ویژگی های پیشنهادی طراحی باغ های ذهنی مولوی داریم:

جدول ۲: ویژگی های پیشنهادی طراحی باغ های ذهنی مولوی / منبع: نگارنده

ویژگی پیشنهادی طراحی	باغ
محل تجمع	باغ هستی
میسر اب: جاری، جوشان و ساکن: امکان بازدید نکردن همه افراد از کل مجموعه. جاری و جوشان: مولوی راه تعالی را تواضع و فروتنی می داند مانند آبی که در فواره از پستی به بلندی بر می آید و آب آبشار را که از بلندی به پستی می آید نماد رحمت و فیض الهی می داند. ساکن: پاک کننده روح، رسوخ به دلها	
مسیر حرکت پیاده: صاف برای رسیدن به معرفت، تلاقی با مسیر اب	
الاجیق و فضای سبز خاص کنار رود: تازگی روح	باغ جان
میسر اب: جاری: تازگی روح انسان، لطافت و سربسزی	
مسیر حرکت پیاده: صاف و پر پیچ و خم، مسیرهای صاف برای آرامش روان انسان و مسیر های پر پیچ و خم نماد دنیا، تلاقی با مسیر اب	
طراحی دیواری با پله های سنگی در انتهای باغ تا برای رسیدن به باغ بهشت از جهان خاکی عروج کرد. احداث بناهای مختلف: نشان دهنده دنیا	باغ جهان
میسر اب: آب جاری در نهر یا جوی برای بیننده یادآور عمر و وقت، زیبایی، لطافت، سربسزی، قدرت و عشق الهی	
مسیر حرکت پیاده: پر پیچ و خم استعاره از دنیا، ریاضت انسان برای رسیدن به باغ بهشت، تلاقی با مسیر باغ دل، تلاقی با مسیر اب	
طراحی بنای مذهبی در زمینی که گرداگرد آن را آب فرا گرفته است: حریم مقدس	باغ دل
میسر اب: ساکن: حریم مقدس که رسوخ به مرکز همان دل است را نشان می هد. اب ساکن یاد آور قدرت خداوند، وحدت و عالم معنا، معنویت و حقیقت، عالم غیب و اسرار، مرجع رستگاری، فزونی و کرم است.	
مسیر حرکت پیاده: تلاقی باغ دل و باغ جهان: یکی شدن روح عرفانی انسان و زندگی مادی برای رسیدن به بهشت	
باغ ایرانی، سردر شاخص	باغ بهشت
مسیر اب: جاری شدن در چهار جهت	
مسیر حرکت پیاده: صاف و بدون پیچ و خم استعاره از زندگی آرام در بهشت، تلاقی با مسیر اب	
انتخاب مرتفع ترین نقطه: بالاترین مرحله سلوک: غایت مولوی رسیدن به ذات حق و حقیقت الهی	باغ عشق الهی
میسر اب: منبع اصلی اب، جاری و ساکن و جوشان: طراحی ابشاری که انسان از درون ابشار آبی که از بلندی به پستی می ریزد را نظاره گر باشد. (اب نماد گذر عمر)	
مسیر حرکت پیاده: پرپیچ و خم: رسیدن به قرب الهی با ریاضت همراه است. صاف: رسیدن عشق الهی نهایت و غایت انسان است و انجاست که با آرامش همراه است، تلاقی با مسیر اب	

جدول زیر به اصول طراحی باغ های ذهنی مولوی در کوهستان اشاره کرده است:

جدول ۳: اصول طراحی باغ های ذهنی مولوی در کوهستان / منبع: نگارنده

باغ هستی، باغ جان، باغ جهان، باغ بهشت، باغ عشق الهی	باغ	تنوع
صاف، پرپیچ و خم	مسیرها	
استخر	ساکن	
جوی و نهر	جاری	
فواره آبشار و چشمه	جوشان	اب
با عبور از باغ هستی به باغ جان، باغ جهان، باغ دل، باغ بهشت و رسیدن به باغ عشق الهی حرکت اب از باغ عشق الهی به عنوان منبع و عبور از همه باغ ها و رسیدن به رودخانه کوهستان		سلسله مراتب
تنوع فضایی در عین حال مقصود برای تقرب و رسیدن به باغ عشق الهی تلاقی مسیر اب در بعضی مسیرهای پیاده		وحدت در عین کثرت
هماهنگی مسیرها و فضاها با شیب طبیعت عدم تخریب کوهستان		هماهنگی با طبیعت

۶- نتیجه گیری:

باغ های مولوی نماد لطف الهی، سرسبزی و صفا، بهشت برین، طراوت و سرزندگی، روح افزایی و شادی بی رنجی و در نهایت جلوه جمال حق است که به صورت های گوناگون از جمله باغ صفا، باغ حسن، باغ جهان، باغ جان، باغ هستی، باغ دل و باغ عشق در اشعار وی آمده است. اب و حرکت آن یکی از مهم ترین عناصر موجود در باغ های مولوی می باشند. کوهستان به دلیل وجود شیب و قابلیت ایجاد تنوع فضایی، جاری شدن اب به طرق مختلف، امکان طراحی شاخص در مرتفع ترین نقطه کوهستان، امکان ارتباط معنایی بهتر کاربران با باغ های مولوی در طبیعت به دور از شهر، دوری از محیط آلوده ی شهر یکی از بهترین مکان ها برای طراحی موضوع حاضر است. ویژگی های پیشنهادی طراحی باغ های ذهنی مولوی با تکیه بر حرکت اب و مسیر پیاده به طور خلاصه به شرح زیر می باشد: باغ هستی: محل تجمع، میسر آب: جاری، جوشان و ساکن: امکان بازدید نکردن همه افراد از کل مجموعه. جاری و جوشان: مولوی راه تعالی را تواضع و فروتنی می داند مانند آبی که در فواره از پستی به بلندی بر می آید و آب آبشار را که از بلندی به پستی می آید نماد رحمت و فیض الهی می داند. ساکن: پاک کننده روح، رسوخ به دلها. باغ جان: الاجیق و فضای سبز خاص کنار رود: تازگی روح، میسر آب: جاری: تازگی روح انسان، لطافت و سرسبزی مسیر حرکت پیاده: صاف و پر پیچ و خم، مسیرهای صاف برای آرامش روان انسان و مسیر های پر پیچ و خم نماد دنیا، تلاقی با مسیر آب. باغ جهان: طراحی دیواری با پله های سنگی در انتهای باغ تا برای رسیدن به باغ بهشت از جهان خاکی عروج کرد. احداث بناهای مختلف: نشان دهنده دنیا، میسر آب: آب جاری در نهر یا جوی برای بیننده یادآور عمر و وقت، زیبایی، لطافت، سرسبزی، قدرت و عشق الهی. مسیر حرکت پیاده: پر پیچ و خم استعاره از دنیا، ریاضت انسان برای رسیدن به باغ بهشت، تلاقی با مسیر باغ دل، تلاقی با مسیر آب. باغ دل: طراحی بنای مذهبی در زمینی که گرداگرد آن را آب فرا گرفته است: حریم مقدس میسر آب: ساکن: حریم مقدس که رسوخ به مرکز همان دل است را نشان می دهد. اب ساکن یاد آور قدرت خداوند، وحدت و عالم معنا، معنویت و حقیقت، عالم غیب و اسرار، مرجع رستگاری، فزونی و کرم است مسیر حرکت پیاده: تلاقی باغ دل و باغ جهان: یکی شدن روح عرفانی انسان و زندگی مادی برای رسیدن به بهشت. باغ بهشت: باغ ایرانی، سردر شاخص مسیر آب: جاری شدن در چهار جهت مسیر حرکت پیاده: صاف و بدون پیچ و خم استعاره از زندگی آرام در بهشت، تلاقی با مسیر آب انتخاب مرتفع ترین نقطه: بالاترین مرحله سلوک: غایت مولوی رسیدن به ذات حق و حقیقت الهی. باغ عشق الهی: میسر آب: منبع اصلی آب، جاری و ساکن و جوشان: طراحی آبشاری که انسان از درون آبشار آبی که از بلندی به پستی می ریزد را نظاره گر باشد. (آب نماد گذر عمر) میسر آب: منبع اصلی آب، جاری و ساکن و جوشان: طراحی آبشاری که انسان

از درون آبشار ابی که از بلندی به پستی می ریزد را نظاره گر باشد. (آب نماد گذر عمر). هم چنین اصولی چون تنوع، سلسله مراتب، وحدت در عین کثرت، هماهنگی با طبیعت در طرح رعایت شده است.

منابع:

۱. تاجدینی، علی. (۱۳۸۳). فرهنگ نمادها و نشانه ها در اندیشه مولانا. تهران: سروش.
۲. شاهچراغی، ازاده. (۱۳۹۱). پارادایم های پردیس. چاپ سوم. تهران: جهاد دانشگاهی.
۳. شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۹۰). صور خیال در شعر فارسی. چاپ چهاردهم. تهران: آگه
۴. شکوری، فرامرز. (۱۳۷۷). گل و باغ در شعر مولوی. مجله کیهان فرهنگی. شماره ۱۴۱. (ص ۱۷_۱۶).
۵. شیمیل؛ انه ماری. (۱۳۷۵). شکوه شمس: سیری در آثار و افکار مولانا جلال الدین رومی. ترجمه حسن لاهوتی. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
۶. فتوحی، محمود. (۱۳۸۹). بلاغت تصویر. چاپ دوم. تهران: علمی.
۷. کاملی، هدا. (۱۳۹۱). معنای آب در باغ ایرانی، از میان اشعار مولوی. نشریه منظر. شماره ۸۰. پانزدهم آبان ۹۱.
۸. کورکیان؛ وسیکر. (۱۹۸۳). باغ های خیال. ترجمه پرویز مرزبان. چاپ اول. تهران: پژوهش فرزبان روز.
۹. کیانی، فاطمه و بلخاری قهی، حسن. (۱۳۹۱). فلسفه هنر و زیبایی شناسی عرفانی از دیدگاه مولانا (با تاکید بر مثنوی معنوی). نشریه پژوهش هنر. شماره ۴. پاییز و زمستان ۱۳۹۱. (ص ۳۳_۴۲).
۱۰. محبتی، مهدی. (۱۳۹۰). از معنا تا صورت. چاپ دوم. تهران: سخن.
۱۱. مولوی، جلال الدین محمد. (۱۳۶۲). کلیات شمس. به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. تهران: امیرکبیر.
۱۲. مولوی، جلال الدین محمد. (۱۳۷۳). مثنوی معنوی. به تصحیح نیکلسون. تهران: امیرکبیر.

The Designing Principles of Rumi's Subjective Gardens in the Mountains with an Emphasis on Water and Pedestrian Passage

^{1*} Elahe Goodarzi, ²Naser Ghanbari, ³ Mohamadreza Bemanian

¹ Master of Landscape Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

² Master of Architecture Engineering, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

³ Professor of Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Abstract

One of the most important subjects is elegance when it comes to the study of man-made phenomena. Garden in various societies implies their beliefs in nature and its components as an identity and objective factors incorporating to the belief. Building garden has a long history in our country and has been interested over time. The presence of garden in our literature as well as poetry dates back to ancient history. We are even brave enough to say that the most subjective and imaginative expression of gardens can be traced back to the poetry of poets, most of whom had various attitude toward garden and the most subjective and imaginative one can be found in the poetry of Rumi. The aim of the article is to introduce the principles of the design of Rumi's subjective gardens in the mountains with an emphasis on the water and pedestrian passage. Reviewing the footprints of the imaginative picture of garden in Rumi's poetry and how the imagination of garden was developed, as well as elements such as water in his poetry, we reach the perspective of the mystic poet. The study was conducted in a descriptive-analytical manner based on library references as the analysis the contents of Rumi's poetry. The results showed that Rumi's gardens are conceptual and polysemy, the essence of which is the love of God. Among the gardens in his poetry are the garden of existence, the garden of Eden, the garden of the world, the garden of life and the garden of heart, and that of love. With an emphasis on the movement of water as motionless, running, and boiling, as well as the characteristics of Rumi's gardens, the introduction of the features of the imaginative design of his gardens has been addressed. One of the reasons for designing mountains is the capability of the territory in representing the idea of reaching the ultimate goal, i.e. the love of God, in the earthly garden.

Keywords: Rumi Gardens, Subjective Aspects, Mountains, Water, The Features of Rumi Gardens
